



زوج زورگیر به آخر خطر رسیدند

زوج جوانی که در پوشش مسافر، اموال مسافران را سرقت می‌کردند بازداشت شدند. به گزارش جوان، چند روز قبل مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند، شاکی گفت لحتاتی قبل در میدان شوش منتظر تاکسی بود تا به شهرری بروم. هرچه منتظر ماندم خبری از تاکسی نشد تا اینکه یک خودروی پراید مسافربر که راننده آن زنی جوان بود توقف کرد. بعد از گفتن مسیر در صندلی جلو سوار شدم و راننده حرکت کرد. کمی جلوتر راننده، مسافر دیگری را که کنار خیابان منتظر تاکسی بود، سرور کرد. راننده بعد از طی مسافتی ناگهان تغییر مسیر داد و وارد بزرگراه امام علی شد که به راننده اعتراض کردم. همان لحظه مردی که در صندلی عقب سوار بود به من حمله و شروع به ضرب و جرح کرد. فهمیدم که در دام زورگیران گرفتار شده‌ام. آنها با تهدید همه پول و اموالی را که همراهم بود سرقت و مرا کنار جاده از خودرو بیرون انداختند و فرار کردند.

بعد از مطرح شدن شکایت، پرونده به دستور باز پرس در اختیار مأموران پایگاه ششم پلیس آگاهی قرار گرفت. اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت، مأموران در این باره تحقیق کردند و با بررسی دوربین‌های مدار بسته موفق شدند پلاک خودرو را شناسایی کنند. در شاخه دیگری از تحقیقات، تصویر پلاک خودرو و همسرش به شاکی نشان داده شد که وی آنها را به عنوان سارقان زورگیر شناسایی کرد. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران موفق شدند زوج جوان را در مخفیگاهشان بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به زورگیری به این شیوه اعتراف کردند. سرهنگ کار آگاه سیدقاسم موسوی‌فر، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت، تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.



اسیدپاشی روی پدر و مادر در توهم شیشه در توهم شیشه

پسر جوانی که متهم است در درگیری به روی پدر و مادر سالخورده‌اش در جنوب‌تشان در جنوب تهران مایع اسیدی پاشیده‌است، ادعا کرد شیشه مصرف کرده و توهم داشته‌است. به گزارش جوان، ساعت ۴۵ دقیقه بامداد دیروز ساکنان ساختمان مسکونی در خیابان شهید رجایی در جنوب تهران با شنیدن فریادهای آی سوختن زن و مرد همسایه‌شان از خانه‌هایشان بیرون آمدند. صدای درگیری و آی سوختن از خانه زن و مرد سالخورده‌ای به گوش می‌رسید که همراه پسر جوانشان زندگی می‌کردند. وقتی همسایه‌ها به سوی محل حادثه رفتند، مشاهده کردند پسر جوان این خانواده سراسیمه از خانه‌شان بیرون آمد و فرار کرد. پس از این ساکنان ساختمان با پیکر زخمی زن و شوهر سالخورده روبه‌رو شدند که مایع اسیدی به شدت سوخته بودند. بدین ترتیب موضوع را به پلیس اورژانس خبر دادند. لحتاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه همراه امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند و همزمان با ادامه تحقیقات زن و مرد زخمی را برای درمان به بیمارستان شهدای یافت‌آباد منتقل کردند.

بررسی‌ها نشان داد زن و شوهر سالخورده از سوی پسرشان مورد اسیدپاشی قرار گرفته‌اند و بدین ترتیب پسر این خانواده به عنوان مظنون به اسیدپاشی به دستور قاضی حمید رضا رستمی، باز پرس شعبه ۱۱ دادسرای امور جنایی تهران تحت تعقیب قرار گرفت و مأموران موفق شدند دقایقی بعد از حادثه وی را در پارکی شناسایی و بازداشت کنند.

متهم صبح دیروز به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در بازجویی با اعتراف به اسیدپاشی به روی مادر و پدر پیرش در ادعایی گفت: «من معتاد به شیشه هستم و هر زمانی شیشه مصرف می‌کنم، توهم می‌گیرم و با پدر و مادرم درگیر می‌شوم. شب حادثه شیشه مصرف کرده‌بودم که به خانه‌ام آمدم. در حالی که توهم داشتم با پدر و مادرم درگیر شدم و مایع اسیدی را که در خانه داشتم برداشتم و روی آنها پاشیدم. وقتی صدای فریاد آی سوختن آنها بلند شد، از ترس از خانه فرار کردم و به پارک نزدیک خانه‌ام رفتم. روی نیمکت پارک نشسته بودم که مأموران مرا شناسایی و دستگیر کردند.» متهم پس از اعتراف به جرم خود برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان این حادثه به دستور قاضی حمید رضا رستمی در اختیار کارآگاهان پلیسی آگاهی قرار گرفت. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

سرقت بان نیسان بعد از فرار از دست پلیس

یکی از سارقان بازداشت شده، مردی به نام سعید بود که موفق شده بود به همراه سه همدستش از بازداشتگاه پلیس در شهرستان فرار کند. اعضای این باند با کمین در محل تردد نیسان‌های حامل بار، محموله را سرقت می‌کردند. سابقه‌داری؟ به، یک مورد بود و آن هم فرار از آگاهی. آگاهی تهران؟ خیر، از بازداشتگاه پلیس آگاهی یکی از شهرستان‌های استان تهران. چطور؟ حدود هشت نفر در بازداشتگاه و روی زمین نشسته بودیم. همانجا نقشه فرار کشیدیم و آن را انجام دادیم.

به چه جرمی دستگیر شده بودی که فرار کردی؟ دو نفر به دروغ گفته بودند من در سرقت و زورگیری همدستان بودم، به همین خاطر دستگیر شدم. اگر جرمی مرتکب نشده بودی، چرا فرار کردی؟ وقتی متوجه شدم آنها می‌خواهند فرار کنند همراهشان شدم که ثابت کنیم من هم می‌توانم و نمی‌خواستم مقابل آنها کم بیآورم. نقشه فرار چطور بود؟ وقتی مأموران در سلول را باز کردند تا به ما غذا بدهند



به چه جرمی دستگیر شده بودی که فرار کردی؟

دو نفر به دروغ گفته بودند من در سرقت و زورگیری همدستان بودم، به همین خاطر دستگیر شدم. اگر جرمی مرتکب نشده بودی، چرا فرار کردی؟ وقتی متوجه شدم آنها می‌خواهند فرار کنند همراهشان شدم که ثابت کنیم من هم می‌توانم و نمی‌خواستم مقابل آنها کم بیآورم. نقشه فرار چطور بود؟ وقتی مأموران در سلول را باز کردند تا به ما غذا بدهند

زدی به بهانه تدریس موسیقی

داده‌ام در بیاروم. شیوه سرقت چگونه بود؟ دو پیچ اینستاگرام داشتم. یکی آموزش گیتار و دومی پیچ ماساژ بود. وقتی کارآموزان و افرادی که به دنبال ماساژ بودند تماس می‌گرفتند آدرس خانه‌شان را می‌گرفتم و زمانی که وارد خانه‌شان می‌شدم در فرصتی مناسب شربتی را که برای نوشیدن می‌آوردم مسموم می‌کردم. سپس بعد از بیهوش شدن آنها اموالشان را سرقت می‌کردم. گاهی پیش می‌آمد مشتری‌ها به جاح و مکان نداشتند. در این مواقع مدارک شناسایی می‌خریدم و خانه‌ای را یک روزه اجاره می‌کردم. بعد با مشتری فرار می‌گذاشتم و به همین شیوه اموالش را سرقت می‌کردم.



چند سال داری؟

چند تحصیلات داری؟ لیسانس مکانیک دارم. شغلت چه بود؟ تدریس موسیقی می‌کردم. سابقه داری؟ خیر.

چرا سارق شدی؟

موزیسین و مدرس گیتار بودم. شاکر دانم به خانه‌ام می‌آمدند تا به آنها آموزش گیتار بدهم. روزی با یکی از آنها در حال آموزش بودم که مرا با ترنسدی بیهوش و همه اموال مرا سرقت کرد. او با سرقت ۱۸۰ میلیون تومان مرا ورشکسته کرد. بعد تصمیم گرفتم از راه سرقت، مالی را که از دست

تماس تصویری برای اخاذی ۶۰۰ میلیونی

تماس تصویری برقرار شد، دیدیم پسر در اتاقی روی صندلی نشسته و دست و پایش هم با طناب بسته‌است. سر و صورتش خونی و لباس‌هایش هم پاره و خونی بود که نشان می‌داد پسرم را به شدت کتک زده و شکنجه کرده‌اند. با دیدن این صحنه دلخراش شوکه شده بودیم و پسرم را صدا زدیم، اما او توان حرف زدن نداشت و به سختی حرف می‌زد. پسرم گفت دیگر طاقت شکنجه ندارم و هر چه زودتر او را نجات دهیم. او گفت، آدم‌ربایان هر درخواستی دارند برایشان فراهم کنیم، و گر نه مرا می‌کشند. پسرم آقدر کتک خورده بود که نفس نداشت و در حالی که با ما حرف می‌زد از هوش رفته و بعد هم صدای مردی را شنیدیم که گفت اگر پسران را سالم می‌خواهید ۶۰۰ میلیون تومان فراهم کنید، و گر نه جنازهاش

ارمین بینا اعضای باند آدم‌با که پسری را به بهانه خرید زمین به شهری در شمال کشور کشاندند و با گروه‌گان گرفتن وی قصد اخاذی ۶۰۰ میلیون تومانی از خانواده‌اش را داشتند تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. به گزارش جوان، چند روز قبل زن و شوهری در تهران سراسیمه به دادسرای امور جنایی رفتند و از آدم‌ربایان به اتهام ربودن پسر جوانشان شکایت کردند. یکی از شاکیان گفت: «پسرم شایان چند سالی در کار خرید و فروش ملک فعالیت می‌کند و وضع مالی خوبی دارد. مدتی است او با زن جوانی به نام پرستو که در یکی از شهرهای استان آذربایجان زندگی می‌کند، رفت‌وآمد دارد و با هم به صورت شرکاتی خرید و فروش ملک می‌کنند. روز پنج‌شنبه

تخریب خانه در انفجار گاز



حادثه انفجار و آتش‌سوزی در ساختمانی مسکونی منجر به تخریب بخشی از ساختمان و مصدوم شدن دو نفر از ساکنان شد.

آتش‌نشنان ایستگاه ۳۸ بعد از اطلاع از وقوع حادثه انفجار در خیابان امام‌زمان یافت‌آباد در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد بر اثر شدت انفجار در طبقه اول ساختمان چهار طبقه مسکونی بخشی از ساختمان دچار حریق شده، دو نفر از ساکنان مصدوم شده‌اند و بخشی از این واحد مسکونی تخریب شده‌است. امدادگران هم‌زمان با ایمن کردن محل، ساکنان را به محل امن منتقل کردند و موفق به مهار آتش شدند. هم‌زمان با انتقال مصدومان به مرکز درمانی، تحقیقات بیشتر برای بررسی علت حادثه جریان دارد.

قتل برادر در بزم مستانه

درگیری دو برادر مست در شهری به مرگ یکی از آنها منجر شد. به گزارش جوان، روز سه‌شنبه چهارم مرداد به مأموران پلیس شهری خبر رسید پسر جوانی که در جنوب تهران ساکن است به محل حادثه، رسیدند با جسد پسر ۱۹ ساله‌ای به نام بهرام، کنار ساختمان مسکونی روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت از بالکن خانه‌شان در طبقه چهارم به طرز مشکوکی سقوط کرده و جان باخته‌است. تحقیقات میدانی نشان داد لحظه حادثه همسایه‌ها می‌بینند پسر فوت شده با برادر ۱۷ ساله‌اش در بالکن درگیر می‌شود و ناگهان به پایین سقوط می‌کند. بدین ترتیب مأموران پلیس در نخستین گام برادر کوچک‌تر مقتول را به

بازداشت شرور فراری در توفل زیر زمینی

رئیس پلیس امنیت عمومی تهران از دستگیری یکی از اوپاش سابقه‌دار پایتخت در یک توفل زیر زمینی خبر داد. به گزارش جوان، سرهنگ پیام کلویانی گفت: او اخیر هفته گذشته پرونده‌ای در خصوص متواری شدن یکی از اوپاش سابقه‌دار که دارای سوابق حکومتی متعددی از جمله خفت‌گیری، شراوت و فروش سلاح جنگی

مفقودی
برگ کمپانی خودروی تاکسی سمند مدل ۱۳۹۶ رنگ خورشیدی با نوار مشکی به شماره پلاک ایران ۷۸/۶۴۸ ۶۱ و شماره موتور ۲۶۹۲۱۲۷۰۰۱۴VH و شماره شاسی NAAC1JW2HF2۷۰۰۱۲ متعلق به عرفان خالدیان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز



محمد مهدی صافی جوان